

مقایسه ویژگی‌های روستایی و تحولات اجتماعی - اقتصادی در روستاهای ژاپن و کره جنوبی

غلامرضا میری^{۱*} و حبیب اله حاجی حسینی^۲

۱- استادیار گروه جغرافیا برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول)

۲- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان، زاهدان، ایران

چکیده

در زمینه برنامه‌ریزی در کشورهای در حال توسعه نمونه‌های درخشان را می‌توان در آسیا در کره جنوبی، پاکستان، اندونزی و... در آفریقا در مصر، تانزانیا، غنا، الجزایر، تونس، مراکش و... و در آمریکای جنوبی در مکزیک، برزیل، شیلی، و... جزء اینها سراغ گرفت. برنامه‌ریزی تنها خاص کشورهای سوسیالیستی و در حال توسعه نیست. در بیشتر کشورهای پیشرفته صنعتی نیز تجربه برنامه‌ریزی به نحوی وجود داشته و هنوز هم وجود دارد. در این راستا در این مطالعه به جایگاه روستا در برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی دو کشور ژاپن و کره جنوبی پرداخته شده است. روش تحقیق مروری و مبتنی بر مطالعات کتابخانه، اسنادی می‌باشد. نتایج تحقیق نشان داد، هر کشور متناسب با ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود یک برنامه خاصی برای روستاهای خود تنظیم می‌کند. و برنامه هر کشوری فقط می‌تواند الگوی مناسبی برای خود آن کشور باشد. در واقع در کشور ژاپن برنامه‌های زیادی از جمله اصلاحات ارضی، ایجاد تعاونی‌ها و برنامه خودکفایی غذایی در روستاها و همچنین برنامه‌های توانمندسازی زنان روستایی انجام داده است که هر یک از این برنامه‌ها به نوبه خود باعث پیشرفت‌های زیادی در روستاها شده است. کشور کره جنوبی نیز به نوبه خود برنامه‌هایی از جمله اصلاحات ارضی، امنیت غذایی و سایر برنامه‌های دیگر را نیز سرلوحه توسعه روستاها قرار داده است. در نهایت می‌بینیم که کره جنوبی با اجرای درست و دقیق برنامه توسعه اقتصادی به یکی از اقتصادهای برتر دنیا مبدل شد.

واژه‌های کلیدی: روستا، برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی، توسعه، ژاپن، کره جنوبی.

مقدمه

در حال حاضر یکی از مهمترین نیازهای جمعیت کشور را تأمین مواد غذایی و زیستی به خود اختصاص می‌دهد، لذا برنامه ریزی در جهت احیاء و اصلاح منابع آب و خاک، سرمایه گذاری در زمینه‌های مختلف تولیدی بخش کشاورزی، فعالیت‌هایی در زمینه زراعی و آموزشی و ترویج و ... از جمله مواردی است که افزایش تولید و بهره وری بهینه در بخش کشاورزی را بدنبال دارد. افزایش تولیدات کشاورزی از طریق برنامه‌ریزی درست منجر به کاهش قیمت و تورم در زمینه مهمترین کالاهای مصرفی جمعیت گردیده و رونق اقتصادی را در کل اقتصاد ملی سبب می‌گردد بنابراین برنامه ریزی تولیدی در نواحی روستایی که خود افزایش درآمد جامعه روستایی را بدنبال دارد، رونق اقتصادی کشور و تأمین منافع کل جمعیت را بدنبال خواهد داشت به این لحاظ، برنامه ریزی‌های تولیدی و کشاورزی در نواحی روستایی دارای ضرورت و اهمیت بسیار است. عدم برنامه‌ریزی در نواحی روستایی و ضعف امکانات زیستی، سبب مهاجرت‌های شدید روستا به شهر گردیده و افراد با ترک روستا از سویی سبب تنزل و انحطاط نسبی روستاها می‌گردند و از سوی دیگر به لحاظ فقدان مهارت‌های لازم و ضعف بنیه اقتصادی، به ناچار در حاشیه شهرها ساکن شده و به مشاغل کاذب روی می‌آورند و برای تضمین موفقیت، برنامه ریزی مراکز روستایی باید در درون راهبرد کلی توسعه روستایی قرار گیرد، این عمل، ترجیحاً باید از مراحل اولیه برنامه‌ریزی صورت گیرد برنامه ریزی، فرایندی پیچیده است که افزون بر موضوعات دیگر، به خلاقیت تحلیلی، توانایی‌های هماهنگی و مدیریتی و نیز به بینش لازم برای تصمیم‌گیری سیاسی نیاز دارد هر چند که فرایند تصمیم‌گیری، عموماً از فرایند برنامه ریزی جداست. افزون بر این، برنامه‌ریزی روستایی به مرور زمان، جامع‌تر شده و در نتیجه، قید و بندهای بخشی که در آغاز وجود داشت سست‌تر شده‌اند. در واقع تنها راه، برنامه ریزی مناسب و رسیدن به یک ساختار روستایی متعادل و پویا است که می‌تواند نیازها را بر طرف کند و عدم قطعیت آینده را از میان بردارد (مطیعی، ۱۳۸۲).

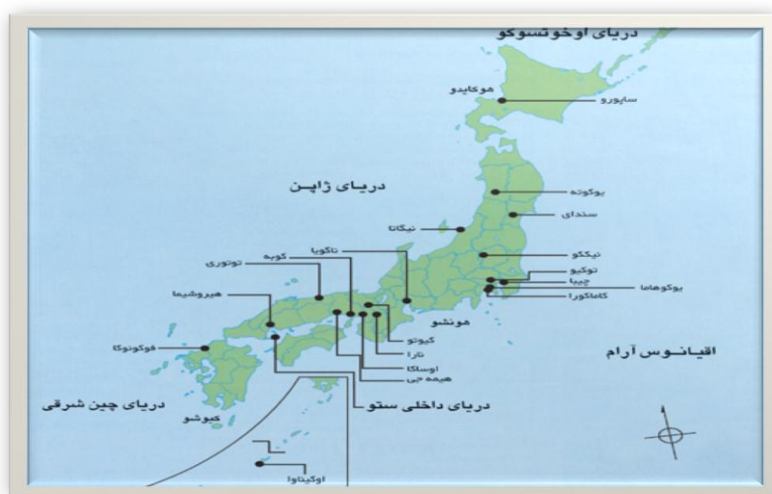
در زمینه برنامه‌ریزی در کشورهای در حال توسعه نمونه‌های درخشان را می‌توان در آسیا در کره جنوبی، پاکستان، اندونزی و... در آفریقا در مصر، تانزانیا، غنا، الجزایر، تونس، مراکش و... و در آمریکای جنوبی در مکزیک، برزیل، شیلی، و ... جزء اینها سراغ گرفت. برنامه ریزی تنها خاص کشورهای سوسیالیستی و در حال توسعه نیست. در بیشتر کشورهای پیشرفته صنعتی نیز تجربه برنامه ریزی به نحوی وجود داشته و هنوز هم وجود دارد. حتی در کشوری مانند ایالت متحده آمریکا که سردمدار اقتصاد بازاری (مبتنی بر بازار) است. نمونه‌های مهمی از برنامه ریزی از جمله برنامه دره تنسی (TVA) را سراغ داریم که شهرت جهانی دارد. هنوز هم در این کشور برنامه‌ریزی نواحی متروپلی، بسیار رایج بوده و از نیمه‌های دهه ۱۹۷۰ به بعد رایج‌تر هم شده است. منتها در کشورهای پیشرفته کنونی نگرش به برنامه ریزی، برخی از هدف‌ها و گاهی روش‌های آنها دگرگون شده و از برنامه ریزی سنتی فاصله زیادی گرفته است. لذا در این مطالعه به بررسی ویژگی‌های روستایی و تحولات اجتماعی در روستاها و همچنین به جایگاه روستا در برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی دو کشور ژاپن و کره جنوبی پرداخته شده است.

موقعیت جغرافیایی کشور ژاپن و کره جنوبی

موقعیت جغرافیایی کشور ژاپن

مجمع الجزایر ژاپن (به ژاپنی: 日本، نیپون یا نیهون) (به انگلیسی: Japan) کشوری است در اقیانوس آرام واقع در آسیای شمال شرقی که یکی از قدرت‌های اصلی اقتصادی جهان است و سومین اقتصاد بزرگ جهان را از نظر تولید ناخالص داخلی دارد (۴۷۴/۵ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۰ به گزارش صندوق بین المللی پول). ژاپن یک کشور پادشاهی است که بر مبنای قانون اساسی اداره می‌شود. این کشور در پایان جنگ جهانی دوم، تمامی متصرفات فراسوی دریاهای خود، از جمله کشور کره را که در آن موقع ۵/۴۵ درصد کل کشور را تشکیل می‌داد، از دست داد و وسعت آن به میزان فعلی که در حدود ۳۸۷۰۰۰ کیلومتر مربع است (چیزی کمتر از ایالت کالیفرنیا در آمریکا)، تقلیل یافت. ژاپن با جمعیتی در حدود ۱۲۸ میلیون نفر دهمین کشور پرجمعیت جهان است. توکیو پایتخت ژاپن با بالغ بر ۳۵ میلیون نفر جمعیت از بزرگترین و گرانترین پایتخت‌های جهان به شمار می‌آید. ژاپنی‌ها کشورشان را «نیپون کوکو» خطاب می‌کنند که به معنی خاستگاه

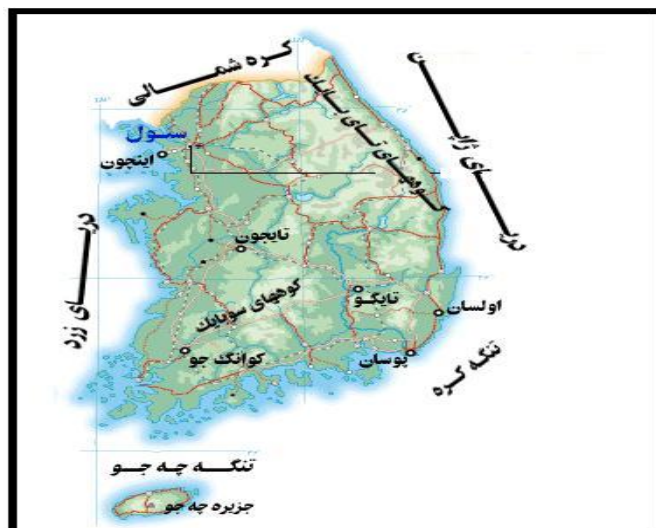
خورشید است. در حقیقت این کشور شرقی‌ترین کشور جهان (بدون در نظر گرفتن خاک قطب) است. مطالعات باستان‌شناسی سابقه سکونت انسان در این کشور را از دوران پساپارینه سنگی می‌داند. ژاپن کشوری کوهستانی است و بیشتر جزایر آن آتشفشانی است و شدت زلزله خیز است، آمار نشان می‌دهد که سالانه در حدود ۱۵۰۰ زمین لرزه در آنجا روی می‌دهد. کشور ژاپن در شرق آسیا قرار دارد و به وسیله دریایی با همین نام از ساحل شرقی قاره آسیا جدا شده‌است. روسیه، چین و جمهوری کره نزدیکترین کشورها به ژاپن هستند. مجمع‌الجزایر ژاپن از چیزی بیش از ۶۸۰۰ جزیره تشکیل شده است. بیشتر این جزایر بسیار کوچکند و تنها ۳۴۰ جزیره بیش از یک کیلومتر مربع وسعت دارند. ۹۸٪ مساحت ژاپن از چهار جزیره به نام‌های هوکایدو، هونشو، کیوشو و کیوشو تشکیل شده‌است. یوکوهاما و کوبه از مهمترین بنادر ژاپن هستند. از نظر زمین‌شناسی مجمع‌الجزایر ژاپن حاصل برخورد تدریجی صفحات تشکیل دهنده پوسته زمین، فعالیت‌های آتشفشانی و تغییرات حاصل از خطوط ساحلی اقیانوسی است. ۶۸٪ مساحت کشور ژاپن کوهستانی است. کوه‌های ژاپن از زیباترین جاذبه‌های طبیعی آن به شمار می‌روند.



شکل (۱): موقعیت کشور ژاپن

موقعیت جغرافیایی کشور کره جنوبی:

کره جنوبی که با نام رسمی جمهوری کره به کره‌ای، 대한민국 نیز شناخته می‌شود، کشوری است در بخش جنوبی شبه‌جزیره کره در شرق آسیا. پایتخت آن شهر سئول است. کره جنوبی با ۹۸۴۸۴ کیلومتر مربع وسعت (صد و سومین کشور جهان) در نیمکره شمالی نیمکره شرقی در شرق قاره آسیا در کنار دریای زرد (در مغرب) ژاپن (در مشرق) و چین شرقی (در جنوب) و در همسایگی کشور کره شمالی در شمال واقع شده‌است. کره جنوبی کشوری نیمه کوهستانی بوده و ارتفاعات آن عمدتاً در نواحی مرکزی و شمال شرقی واقع شده‌اند (از جمله کوه‌های تیسماک). جلگه‌ها در آن وسعت فراوانی داشته و مهم‌ترین رودهای آن عبارت‌اند از: سومجینوکوم هان پوکهان و ناکتونگ. دارای جزیره‌های فراوانی بوده و جنگلها در آن وسعت زیادی دارند. آب و هوای آن گرم و مرطوب و پر باران است.



شکل (۲): موقعیت کشور کره جنوبی

جایگاه روستا در برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی در کشور ژاپن

اصلاحات ارضی در ژاپن

در ژاپن به رغم گسترش بسیار وسیع و عمیق سرمایه‌داری و تمرکز و انحصار شدید سرمایه، با تعداد زیادی بهره‌بردارهای کوچک کشاورزی مواجهیم که توسط کشتگرانی که مالک زمین خود هستند به طور تمام وقت یا پاره وقت اداره می‌شوند. عوامل جغرافیایی، تاریخی و سیاسی و اجتماعی گوناگونی در این مورد نقش دارند و ما نمی‌توانیم به همه آنها بپردازیم. در اینجا تنها به یک عامل تاریخی-سیاسی اشاره می‌کنیم که نقش مهمی در ساختار کشاورزی کنونی ژاپن داشته و آن روند اصلاحات ارضی در ژاپن (۱۹۵۰-۱۹۴۷) است. اصلاحات ارضی در ژاپن که به ابتکار و زیر رهبری امپریالیسم آمریکا به عنوان نیروی اشغالگر در آن کشور پس از پایان جنگ دوم به عمل درآمد زمینه را برای برخی ویژگی‌های ساختار کنونی کشاورزی ژاپن فراهم کرد. شمار زیاد بهره‌بردارهای کشاورزی کوچک، پائین بودن تمرکز و یکپارچگی زمین در کشاورزی در مقایسه با دیگر کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته و نیز سهم کم زمین‌های اجاری از کل زمین‌های کشاورزی در این کشور، از پیامدهای اصلاحات ارضی پس از جنگ دوم در ژاپن هستند. به طور کلی پروژه‌های اصلاحات ارضی در ژاپن (و نیز در تایوان و کره جنوبی) که همگی به ابتکار و زیر رهبری امپریالیسم آمریکا صورت گرفتند، بیش از آنکه هدف اقتصادی داشته باشند اهداف سیاسی را دنبال می‌کردند. مطالعات چندی وجود دارند که نشان می‌دهند اصلاحات ارضی آمریکا در ژاپن به رفاه دهقانان و به بارآوری کشاورزی که اهداف اعلام شده آن بودند کمک نکرد. از جمله مقاله‌ای از مارک رامسه^۱ استاد دانشگاه هاروارد زیر عنوان «افسانه اصلاحات ارضی: مصادره و توزیع مجدد در ژاپن اشغال شده» که در سال ۲۰۱۲ نوشته شده است که مؤید ادعای ما مبنی بر اهمیت سیاسی و نه چندان اقتصادی این اصلاحات برای امپریالیسم آمریکا و حکومت دست‌نشانده آن در ژاپن پس از جنگ است.

اهداف سیاسی امپریالیسم آمریکا از اصلاحات ارضی در ژاپن به طور عمده عبارت بودند از:

الف) تضعیف زمینداران فئودال ژاپن که در میلیتاریسم ژاپن در جنگ دوم جهانی نقش مهمی داشتند و تلاش برای جدا کردن توده دهقانی (که در آن زمان حدود نصف جمعیت ژاپن را تشکیل می‌دادند) از زمینداران.

ب) مقابله با نیروهای کمونیست که در آن زمان در آسیای شرقی و شمال شرقی (به طور مشخص در چین، ویتنام و غیره) با رهبری جنبش‌های ضد فئودالی نفوذ و جاذبه وسیع و عمیقی در میان توده‌های دهقانی، به ویژه دهقانان کم زمین و بی‌زمین

¹ - J. Mark Ramseyer

به دست آورده و به موفقیت‌های بزرگی در مبارزات ضد فئودالی و ضد امپریالیستی نائل شده بودند. در خود ژاپن نیز بنا به اذعان مقامات اشغالگر آمریکائی بیم شورش‌های دهقانی و به طور کلی شورش‌های گرسنگان وجود داشت. سوابق تاریخی جنبش‌های دهقانی در این کشور و به طور مشخص جنبش‌های دهقانی در فاصله جنگ‌های اول و دوم جهانی این ترس اشغالگران آمریکائی و انگلیسی و نیز هیأت حاکم جدید ژاپن را که در آغاز با اصلاحات ارضی مخالف بود و سرانجام بدان تن داده بود، توجیه می‌کرد.

پ) ایجاد یک پایگاه اجتماعی برای نیروهای متفقین و حکومت جدید دست‌نشانده آمریکا در ژاپن. به عبارت دیگر تبدیل دهقانان از نیروئی که به ویژه در شرایط سیاسی آن زمان و آن منطقه می‌توانست نیروئی انقلابی یا شورشی باشد به یک نیروی محافظه کار و عامل تثبیت رژیم پس از جنگ در ژاپن.

ولف لادجینسکی^۲ اقتصاددان کشاورزی آمریکائی و از مشاوران وزارت کشاورزی و وزارت خارجه آمریکا که مدیریت اصلاحات ارضی در ژاپن را زیر رهبری ژنرال مک آرتور، فرمانده کل نیروهای متفقین در ژاپن اشغالی، برعهده داشت در این باره چنین نوشت: «از یک سو یکی از علل اصلاحات ارضی گرسنگی دهقانان ژاپنی بود. از سوی دیگر علت آن سیاست اشغال ایالات متحده در ژاپن مبنی بر بهبود زندگی دهقانان بود تا کشاورزی ژاپن را در مقابل کمونیسم مقاوم سازد» و اضافه می‌کند: «روستاهای ژاپن تقریباً این امکان را می‌دادند تا کمونیسم در ایجاد کشاورزی گسترده غیر فنی مستقل به عنوان یک نیروی محرک نفوذ کند.» (میونگ هو پارک، ۲۰۱۳).

اریک وارد مشاور اقتصادی عضو بریتانیائی شورای متفقین برای ژاپن از آوریل ۱۹۴۶ تا نوامبر ۱۹۴۷، می‌گوید دیدگاه فرماندهی عالی نیروهای متفقین این بود که «اصلاحات ارضی» با ایجاد طبقه‌ای از کشاورزان مالک که به مالکیت خصوصی وابسته و از نظر سیاسی محافظه کار خواهند بود در واقع مقاومت در برابر کمونیسم را افزایش خواهد داد (Moen, Darrell, 1999). جالب توجه است که محافل دولتی آمریکا حتی در ژوئیه سال ۱۹۴۴ یعنی بیش از یک سال قبل از پایان جنگ و بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی و اشغال ژاپن توسط آمریکا، طرح اصلاحات ارضی در ژاپن را بررسی می‌کردند. لادجینسکی و رابرت فیری از وزارت خارجه آمریکا در ژوئیه ۱۹۴۴ سیاست اصلاحات ارضی ایالات متحده در ژاپن را در سندی به نام سند فیری تدوین کردند. البته در آن هنگام در وزارت خارجه روی آن سند اتفاق نظر وجود نداشت. اما پس از اشغال ژاپن اقدامات مشخصی که در سند یاد شده برای تغییر روابط مالکیت ارضی در ژاپن پیشنهاد شده بود به اجرا درآمد. (منبع پیشین). اما چرا اصلاحات ارضی در ژاپن باعث کند شدن روندهای تمرکز و یکپارچگی زمین و در نتیجه اجاره زمین‌های بزرگ از سوی زمینداران به سرمایه‌داران شاغل در کشاورزی گردید؟ در ژاپن پیش از اصلاحات ارضی ۴۶٪ کل زمین‌های کشاورزی و ۵۳٪ شالیزارها زمین‌های اجاری اربابی بودند. پس از اصلاحات ارضی ۸۰٪ زمین‌های اجاری اربابی به دهقانان انتقال یافت. به طور مشخص حدود ۱,۹ میلیون هکتار زمین از مالکان بزرگ خریداری و یا مصادره گردید و به ۴,۲ میلیون خانوار دهقانی فروخته شد (به طور متوسط ۰,۴۵ هکتار زمین به هر خانوار). در واقع ۲۵۲۲۳۲۵ میلیون «کشاورز-مالک» جدید هر کدام کمتر از ۰,۵ هکتار و ۱۹۷۲۹۱۷ «کشاورز-مالک» جدید هر کدام صاحب ۰,۵ تا ۱ هکتار زمین شد (Moen, Darrell, 1999). بدین سان یک توده انبوه دهقان خرد در کنار دهقانان کوچکی که از پیش مالک زمین خود بودند و برخی مالکان که روی بخشی از زمین خود که قانون اجازه می‌داد کار می‌کردند به وجود آمد (مالکان می‌توانستند آن مقدار از زمین را که خود قادر به کشت آن هستند نگاه دارند و بقیه را به دولت بفروشند که دولت آن را به همان قیمت خریداری شده به اقساط چند ساله ترجیحاً به کشاورزان همان زمین خریداری شده می‌فروخت. مالکان هم در مقابل قیمت زمین می‌توانستند اوراق قرضه صنعتی دریافت کنند. مواد مختلف قانون اصلاحات ارضی فروش و اجاره زمین را محدود می‌کردند. فروش یا اجاره زمین کشاورزی و یا تبدیل آن برای مصرف دیگر (سکونت یا فعالیت صنعتی و بازرگانی و غیره) منوط به اجازه کمیسیون‌های کشاورزی محلی بود که اعضای آن را کشاورزان مستقر محلی و بعداً برخی افراد غیر کشاورز تشکیل می‌دادند. در نتیجه این

² - Wolf Ladejinsky

وضعیت حقوقی، ادغام زمین‌ها با یکدیگر به کندی صورت می‌گرفت از این رو مساحت متوسط زمین‌های کشاورزی در ژاپن کم بود و اکنون نیز کم است. در سال ۲۰۱۰ یک خانوار کشاورزی تجاری ژاپنی به طور متوسط ۲ هکتار زمین داشت (منظور از «کشاورزی تجاری»، کشاورزی در واحد کشاورزی با مساحت بیش از ۰,۳ هکتار و فروش سالانه بیش از ۵۰۰۰ دلار است. در سال ۲۰۰۵ تنها ۵,۴٪ کشاورزان ژاپن بیش از ۲ هکتار زمین داشتند). در فرانسه مساحت متوسط بهره برداری کشاورزی در سال ۲۰۰۰ برابر ۴۲ هکتار و در سال ۲۰۱۰ معادل ۵۵ هکتار بود. در آمریکا مساحت متوسط بهره برداری‌های کشاورزی (کشت محصول) در سال ۲۰۱۱، برابر ۹۵ هکتار (۲۳۴ آکر) بود. نکته دیگر در مورد زمین‌های کشاورزی ژاپن این است که بخش مهمی از آنها پس از پایان جنگ دوم تاکنون تبدیل به زمین‌های مسکونی، صنعتی یا تجاری شدند. همچنین مانند تمام کشورهای سرمایه داری جمعیت کشاورزی به سرعت رو به کاهش نهاد. علاوه بر این در ژاپن به خاطر ناکافی بودن زمین‌های مزارع برای تأمین زندگی دهقانان بخشی از زمین‌های کشاورزی به حال خود رها شدند. طبق داده‌های وزارت کشاورزی ژاپن در فاصله زمانی ۱۹۶۵ تا ۲۰۰۵، کل سطح زیر کشت از ۶ میلیون هکتار به ۴,۶۹ میلیون هکتار (کاهش ۲۲٪)، تعداد خانوار-های کشاورز از ۵,۶۶ میلیون به ۲,۸۵ میلیون (کاهش ۵۰٪)، جمعیت فعال کشاورزی از ۱۱,۵۱ میلیون به ۳,۳۵ میلیون (کاهش ۷۱٪) و هسته جمعیت فعال کشاورزی از ۸,۹۴ میلیون به ۲,۲۴ میلیون (کاهش ۷۵٪) رسید. در ژاپن جمعیت دهقانان خرده مالک (که طبق تعریف ما خرده بورژوا به حساب می‌آیند)، طی ۴۰ سال یعنی از سال ۱۹۶۵ تا ۲۰۰۵ از ۱۱,۲۱ میلیون نفر به ۳,۳۵ میلیون نفر کاهش یافت (بیش از ۷۰٪ کاهش) (Yamashita, Kazuhito, 2008).

دولت ژاپن که تا سال‌های دهه ۱۹۶۰ سیاست «خودکفائی غذایی» را دنبال می‌کرد این سیاست را از سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ رها کرد. میزان خود کفائی غذایی که در سال ۱۹۶۵ معدل ۷۳٪ بود اکنون به کمتر از ۴۰٪ رسیده است (Yamashita, Kazuhito, 2008). رشد و تکامل بسیار سریع سرمایه داری در ژاپن به تدریج ناسازگاری خود را با قانون اصلاحات ارضی ۱۹۵۰-۱۹۴۷ نشان داد و اصلاحیه‌ها و تغییرات زیادی (۶۰ اصلاحیه تا سال ۲۰۰۹) برای انطباق دادن آن قانون با الزامات تکامل سرمایه‌داری مطرح شد. طبق قانون اصلاحات ارضی ژاپن زمین می‌بایست توسط مالک آن کشت شود. در سال ۲۰۰۹ ضمن حفظ این نکته افزوده شد، که قانون اداره زمین توسط کسانی که آن را به طور بارآوری اداره کنند تسهیل خواهد کرد خواه صاحب زمین باشد یا کسی که آن را اجاره می‌کند. بدین سان تسهیلاتی برای اجاره زمین‌های کشاورزی و نیز مالکیت شرکت‌ها بر این زمین‌ها به وجود آمد از جمله برای اجاره یا فروش زمین کشاورزان باز نشسته. همچنین دولت ژاپن اخیراً مؤسسه‌ای برای سازمان‌دهی اجاره زمین‌های کشاورزی به وجود آورده که کار آن قرض گرفتن زمین از کشاورزان، بهبود آن زمین‌ها و تغییر نقشه یا یک کاسه کردنشان و تأمین جریان آب در آنها در صورت لزوم و اجاره دادن زمین‌هایی که به این صورت بهبود یافته و اندازه اقتصادی پیدا کرده‌اند به «فعالان و بازیگران کارآمد» یعنی کشاورزان بزرگ و بنگاه‌های کشاورزی است. یکی از اهداف این کار بهره‌گیری از مزیت‌هایی است که واحدهای بزرگ و به طور کلی فعالیت اقتصادی در مقیاس بزرگ می‌توانند در بهبود بهره‌برداری از منابع و کاهش هزینه‌ها و در نهایت بالا بردن سودآوری که هدف تولید سرمایه داری است فراهم کنند. بدین سان ژاپن هم در زمینه کشاورزی همان راهی را می‌پیماید (هرچند با تأخیر) که دیگر کشورهای سرمایه داری پیشرفته پیموده اند (Yamashita, Kazuhito, 2008).

جدول (۱): آمار استفاده کشور ژاپن از زمین‌ها

رتبه	کشور	کشت زمین به کیلومتر مربع	درصد کشت زمین به کیلومتر مربع	درصد زمین های زارعی به کیلومتر مربع	محصولات دائمی به کیلومتر مربع	محصولات دائمی (%)	سایر اراضی به کیلومتر مربع	سایر اراضی درصد	مجموع مساحت زمین به کیلومتر مربع	تاریخ
۵۱	ژاپن	۴۶۰۹۹۳	۱۲,۵۴	۴۳,۶۲۰	۱۱,۶۴	۳,۳۷۳	۳۲۷,۷۵۱	۸۷,۰۴۶	۳۷۴,۷۴۴	۲۰۰۵

شرکت‌های تعاونی کشاورزی در ژاپن هر چند سابقه‌ای بیش از صد سال دارند، اما نهضت تعاونی در بخش کشاورزی ژاپن به‌طور عمده پس از اجرای برنامه اصلاحات ارضی که پس از جنگ جهانی دوم انجام گرفت، رشد چشمگیری یافت. در این کشور دولت به‌طور مستقیم در کار تعاونی‌ها دخالت نمی‌کند، بلکه تعاونی‌های کشاورزی را از طریق نرخ‌های تضمینی و

سرمایه‌گذاری در به‌سازی اراضی حمایت می‌کند. بانک مرکزی تعاون که مختص کشاورزی و جنگلداری است، یکی از بزرگترین بانک‌هایی است که در کنار تعاونی‌ها قرار دارد.

ویژگی اصلی ساختار سازمانی تعاونی‌های کشاورزی ژاپن سه سطحی بودن آن است. در پایین‌ترین سطح، تعاونی‌های چند منظوره به عنوان تعاونی‌های اولیه در سطح روستا، شهرک یا شهر فعالیت می‌کنند. در سطح استان اتحادیه‌های چند منظوره قرار دارند که در رابطه با کار معینی که انجام می‌دهند، تخصص یافته‌اند. در سطح ملی، اتحادیه‌های تخصصی وجود دارند که هر یک کار خاصی مانند اعتبار، خرید، بازاریابی و بیمه انجام می‌دهند. افزودن بر تعاونی‌های چند منظوره، تعاونی‌های یک منظوره مانند تعاونی‌های شیر، ابریشم و ماهیگیری وجود دارند که در سطح استانی و ملی اتحادیه‌های مربوط به خود را دارند. اتحادیه مرکزی تعاونی‌های کشاورزی بالاترین سطح در ساختار سازمانی تعاونی‌ها و همه فعالیت شبکه تعاونی را در داخل و خارج کشور هدایت می‌کند. اتحادیه‌های استانی در چهل و هفت استان ژاپن وجود داشته و همه فدراسیون‌ها و شرکت‌های تعاونی در استان، عضو این اتحادیه‌ها هستند. اتحادیه‌های استانی و اعضاء آن که شرکت‌های تعاونی را شامل می‌شوند، عضو اتحادیه مرکزی تعاونی‌های کشاورزی (CAUC) به حساب می‌آیند. در ژاپن تعاونی‌های صیادی و جنگلداری به طور مستقل فعالیت داشته و هر یک دارای شبکه تعاونی خاص خود به صورت فدراسیون‌های ملی و استانی و فدراسیون‌های تخصصی اعتبار استانی و بیمه هستند. بانک مرکزی تعاون وظیفه تامین منابع مالی بخش‌های مختلف شبکه تعاونی را بر عهده دارد. با توجه به ویژگی‌های تعاونی‌های کشاورزی در کشور ژاپن، می‌توان گفت تعاونی‌های کشاورزی چند منظوره معروف به (JA) و تعاونی مناطق اصلاح اراضی معروف به (LID) بیشترین نقش را در این کشور ایفاء می‌کنند. فعالیت‌های اصلی تعاونی چند منظوره را می‌توان به دو گروه زیر تقسیم کرد:

الف- فعالیت‌های اقتصادی که با هدف افزایش بهره‌وری کشاورزی انجام می‌شود.

ب- فعالیت رفاهی که با هدف کمک به اعضاء برای تهیه کالاهای با کیفیت، دسترسی به امکانات بهداشتی و درمانی و زندگی بهتر انجام می‌شود.

در گروه نخست، فعالیت‌های اقتصادی شامل موارد زیر است:

- ۱- راهنمایی و ترویج شیوه‌های جدید کشاورزی به منظور بهبود مدیریت مزرعه و برنامه‌ریزی برای افزایش درآمد کشاورزان
 - ۲- تامین منابع مالی برای اعضاء.
 - ۳- تهیه نهاده‌های کشاورزی و امکانات مورد نیاز برای اجرای هر چه بهتر برنامه تولید.
 - ۴- راهنمایی در جهت استفاده درست از امکانات و نهاده‌های کشاورزی.
 - ۵- ایجاد امکانات لازم برای درجه‌بندی، بسته‌بندی و تبدیل محصولات.
 - ۶- جمع‌آوری و بازاریابی محصولات.
 - ۷- جمع‌آوری درآمدهای ناشی از فروش محصولات و پرداخت به اعضاء.
- در گروه دوم، فعالیت‌های رفاهی با هدف تامین زندگی بهتر شامل موارد زیر است:
- ۱- کمک بر تنظیم بودجه خانوار با توجه به تامین هزینه‌ها و پس انداز
 - ۲- برنامه‌ریزی برای تهیه کالاهای مصرفی مورد نیاز اعضاء
 - ۳- ارائه راهنمایی برای تهیه و مصرف کالاهای مصرفی با کیفیت
 - ۴- راهنمایی در تهیه برنامه‌های کوتاه و بلندمدت با هدف ارتقاء سطح زندگی قرار دادیم.

تعاونی مدیریت مناطق اصلاح اراضی

واژه منطقه اصلاح اراضی معادل انگلیسی (Land improvement district) است که به اختصار این تعاونی‌ها در کشور ژاپن معروف به LID ها هستند که بر اساس قانون اصلاح اراضی مصوب ۱۹۴۹ میلادی ژاپن تاسیس می‌شوند. اهداف مطرح در قانون مذکور شامل افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی، افزایش تولید ناخالص کشاورزی، افزایش سطح تولید محصولات خاص و

بهبود ساختار کشاورزی است، بر اساس این قانون، منطقه اصلاح اراضی (LID) یک شخص حقوقی است که با هدف اجرای پروژه‌های اصلاح اراضی برای یک گروه بهره بردار مشخص و با مجوز استاندار ایالت تاسیس می‌شود. ماهیت این شخص حقوقی، بنگاه (تعاونی) است، اما استفاده از واژه منطقه در آن حاکی از ارتباط نزدیک با منطقه‌ای که در آن واقع شده هستند.

انواع پروژه‌های اصلاح اراضی:

در قانون اصلاح اراضی ۷ نوع پروژه برای اصلاح اراضی مناطق پیش بینی شده که شامل :

۱- احداث، مدیریت لغو و یا تغییر سازه‌های اصلاح اراضی:

برای حفاظت یا بهره برداری سازه‌های آبیاری و زهکشی، جاده‌های دسترسی و سایر اراضی زراعی مورد استفاده در بخش کشاورزی

۲- یکپارچه سازی اراضی:

عملیات توسعه با هدف اجرای پروژه‌های تغییر شکل ظاهری قطعات و پروژه‌های وابسته، پروژه‌های یکپارچه اجرای عملیات به منظور اصلاح یا نگهداری اراضی زراعی و عملیات تغییر شکل ظاهری قطعات.

۳- توسعه اراضی زراعی:

تغییر کاربری اراضی غیرزراعی به زراعی، تغییر کاربری اراضی مابین اراضی زراعی و بهبود این پروژه‌ها، کارهای وابسته به تغییر ماهیت و شکل زمین، همچنین اجرای کارهایی در راستای بهبود یا نگهداری سایر اراضی جهت استفاده زراعی

۴- احیاء اراضی

۵- ترمیم خسارت وارده به اراضی زراعی و یا سازه‌های بهبود اراضی

۶- معاوضه و تقسیم اراضی

۷- پروژه‌های لازم برای بهبود و یا نگهداری اراضی زراعی

ال آی دی‌ها با هدف ارتقاء میزان بهره‌برداری کشاورزی و اجرای پروژه‌های فوق به عنوان تشکل اداره کننده تاسیسات، ایجاد شده و همچنین به عنوان یک تشکل محوری برای ایجاد تسهیل در امر احداث زیر ساخت‌های کشاورزی منطقه تاسیس می‌شوند. اعضای تعاونی‌های واقع در منطقه اصلاح اراضی و افراد واجد صلاحیت شرکت در پروژه‌های اصلاح اراضی در خصوص زمین‌های که برای اجرای پروژه در محدوده منطقه مورد استفاده قرار می‌گیرد (اراضی ذینفع) صرف نظر از این که زراعی یا غیرزراعی باشد، عبارتند از: مالکین اراضی یا اشخاصی که از زمین نفع می‌برند اما به‌عنوان یک اصل در خصوص اراضی زراعی، شخص بهره بردار (کشت و کارکننده) و در مورد اراضی غیرزراعی (اراضی که برای توسعه به عنوان اراضی مناسب است) شخص مالک دارای صلاحیت مشارکت است. برای تاسیس یک ال آی دی جدید و اجرای پروژه باید حداقل ۱۵ نفر از افراد واجد شرایط فوق و موافقت دو سوم (۲/۳) آنها در مورد زمین واقع در محدوده اجرای پروژه را کسب نموده و درخواست صدور مجوز را به استاندار ایالت ارائه نمایند. فرآیند تشکیل این تعاونی ها شامل مراحل زیر است. درخواست و پیش قدم شدن کشاورزان تهیه کلیات طرح جمع‌آوری نظر موافق حداقل ۲/۳ افراد تهیه طرح درخواست تعیین شایستگی (صلاحیت) اعلام اعتراض تصویب اجرای پروژه مدیریت سازه‌ها این تعاونی‌ها دارای اساسنامه مستقل هستند که هر عضو تعاونی حق دادن یک رای را دارد و بالاترین رکن تصمیم‌گیری مجمع عمومی یا مجمع عمومی نمایندگان است و دارای اتحادیه هستند. در واقع این نوع از تعاونی‌ها به لحاظ کارکرد، وظایف و عملکرد مشابه شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در کشور ما هستند. براساس آمار موجود تا سال ۲۰۰۸، ۵۲۵۶ منطقه به وسعت ۲۷۳۳۶۳۰ هکتار با ۳۸۷۸۶۲۲ نفر عضو تشکیل شده است (علیزاده، ۱۳۹۲).

نقش کمک‌های بین‌المللی "GGP" کمک‌های بلا عوض برای پروژه‌های تامین امنیت انسانی " بر توانمند سازی زنان روستایی در کشور ژاپن

در طول ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰، جامعه بین‌المللی به طور فزاینده‌ای از اهمیت نقش و جایگاه زنان در توسعه آگاه شد، منشور ODA ژاپن به وضوح بیان می‌کند که "توجه کامل به مشارکت فعال زنان در توسعه، منجر می‌شود که آنان از توسعه سود ببرند. ژاپن ابتکار "WID خود را در سال ۱۹۹۵ در کنفرانس چهارم جهانی زنان در پکن اعلام کرد به منظور توقف نابرابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در جامعه، برای دستیابی به این اهداف، ژاپن به طور فعال در پروژه‌های که در آن زنان به عنوان ذینفعان اولیه هستند کمک‌های بلاعوض می‌نماید " (GGP) کمک‌های بلا عوض برای پروژه‌های تامین امنیت انسانی "به اقشار حاشیه‌ای از جمله زنان روستایی کمک می‌نماید تا با دسترسی به سرمایه که از عوامل مهم تولید است باعث بهبود خدمات و امنیت انسانی جامعه روستایی مخصوصاً توانمندسازی زنان شود که از اهداف جامعه بین‌المللی (در راستای اهداف هزاره سوم) می‌باشد تا زنان بر مشکلات و موانع تولید فائق آیند و از سوی دیگر به منظور دستیابی به عدالت، برابری، رفاه، مشارکت و افزایش کیفیت زندگی خود و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند در شرایط حال و آینده مشارکت نمایند. در منشور کمک‌های رسمی (official development assistance) ژاپن به وضوح بیان می‌کند که "توجه کامل به مشارکت ۵ فعال زنان در توسعه منجر می‌شود که آنان از توسعه سود ببرند"، به عنوان یکی از راه‌های حصول اطمینان از اجرای موثر کمک‌ها، اقدام در این سیاست پایه می‌باشد، ژاپن "ابتکار" WID خود را در سال ۱۹۹۵ در کنفرانس چهارم جهانی زنان در پکن اعلام کرد این ابتکار ژاپن، به منظور توقف نابرابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در جامعه منجر می‌شود برای افزایش کمک‌های توسعه‌ای مرتبط با WID، با اولویت (۱) آموزش و پرورش، (۲) بهداشت، و (۳) شرکت در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی می‌باشد برای دستیابی به این اهداف، ژاپن به طور فعال در پروژه‌های که در آن زنان به عنوان ذینفعان اولیه هستند: به عنوان مثال، ساخت و ساز مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای، ارائه آموزش‌های حرفه‌ای و سواد آموزی، و همکاری در مراقبت‌های بهداشتی مادر و کودک تاکید دارد. علاوه بر این، در حال حاضر در تلاش هستند تا تاکید بیشتری بر روی توانمندسازی زنان در مراحل تدوین و اجرای پروژه انجام شود با در اختیار داشتن کارشناسان زن و مرد و مسائل زنان در تیم مورد بررسی قرار گیرد و با مردم محلی، به ویژه زنان جامعه محلی به عنوان ذینفعان، برای آگاه شدن از نظراتشان در مورد پروژه‌های کمک‌رسانی مصاحبه انجام گیرد و جلسه برگزار گردد.

چشم انداز روستایی ژاپن

در چشم انداز توسعه روستایی و کشاورزی ژاپن به افزایش بهره‌وری کشاورزی، تقویت ارتباط تولید با بازار، توسعه زیرساخت-های اساسی از سوی دولت به شرح زیر تأکید شده است:

- *افزایش بهره‌وری کشاورزی (پشتیبانی از سیاستگذاران، توسعه ظرفیت‌ها، اعتبارات خرد، فناوری، زیرساخت‌های آبیاری و جاده‌های روستایی، سازمان‌های کشاورزان)
- *ارتباط تولید با بازار (پشتیبانی از تسهیلات بازار، سیستم‌های توزیع، فناوری اطلاعات، جاده‌ها)
- *توسعه بازارهای کشاورزی (نظیر پشتیبانی از بازاریابی، فناوری تولید و دانش چگونگی تولید، شبکه سازی)
- ارتقای توسعه پایدار (مانند بازاریابی، حمایت‌های محیطی، جنگل کاری) (Ministry of foreign affairs Japan, 2005).

جایگاه روستا در برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی در کشور کره جنوبی

تجربه برنامه‌ریزی در کره جنوبی هم شایان توجه است. زیرا این تجربه، به دلیل موفقیت چشمگیر، با تغییراتی در بسیاری از کشورهای جنوب شرقی آسیا (سنگاپور، مالزی، تایلند و...) به کار گرفته شده است. منشأ «معجزه اقتصادی آسیای جنوب شرقی» همین تجربه جمهوری کره است. افزون بر اینها کره جنوبی هم‌اکنون با ژاپن از تنها کشورهای آسیایی است که سابقه جدی در زمینه برنامه‌ریزی فضایی یا سرزمینی داشته، اینک برنامه پنجم سرزمینی خود را در دست اجرا دارد. توجه به برنامه‌ریزی کره جنوبی از آن جهت مفید است که در این کشور تصمیم‌هایی که گرفته شده با موفقیت به موقع اجرا گذاشته شده

است. معمولا ویژگی‌های استراتژی توسعه اقتصادی کره را تأکید بر صادرات در برابر راهبرد جایگزینی واردات می‌دانند. ویژگی دیگر رشد سریع همراه با توزیع عادلانه درآمد است، اما شاید بتوان بارزترین ویژگی برنامه ریزی کره را شیوه اجرای برنامه دانست، چرا که در آن اجرای برنامه‌های دولتی توسعه صنعتی به جای آنکه به صورت امانی مستقیماً به وسیله دولت یا با استخدام مشاور و پیمانکار به صورت «پیمانی» باشد و طرح‌ها با تأسیس شرکت‌های دولتی بهره برداری شوند؛ مستقیماً به عهده شرکت‌های خصوصی گذاشته شده است. در این میان دولت تهیه برنامه‌ها (البته ریزنی با بخش خصوصی) و کمک به تأمین منابع مالی ارزی و داخلی را تقبل کرده است. این روش حتی با روش‌های «ارشادی» متعارف کشورهای در حال توسعه و «قراردادی» فرانسوی‌ها هم فرق دارد. در کشورهای پیشرفته غربی پس از استحاله برنامه ریزی به نوعی نظام پشتیبانی تصمیم‌گیری (DSS) موسسات پیشین برنامه ریزی مؤسسات آینده‌نگری تحلیل سیاست‌ها، پیش‌بینی و تحلیل اثر مبدل شده‌اند. در کره وزارت برنامه و بودجه در سال ۱۹۹۹ یعنی دو سال پس از تعطیل برنامه‌های ملی تأسیس شده و اخیراً اجرای برنامه توسعه ملی توازن از چند وزارتخانه دیگر به عهده آن گذاشته شده است. نکته شایان توجه اینکه در کشور کره تصدی برنامه‌های موسوم به برنامه جامع سرزمین به عهده وزارت ساختمان و ترابری آن کشور است و بیشتر به صورت کالبدی فضایی یعنی تقریباً به شیوه کشورهای آلمان، اتریش، سوئیس، تهیه می‌شوند؛ نه با گونه برداری از روش آمایش سرزمین فرانسه، در این کشور نیز برنامه‌ها به صورت ملی و فراگیر (شامل همه مناطق) تهیه می‌شده است اما در سال ۱۹۹۷ دولت برنامه‌ای ملی را تعطیل و بر نقش بیشتر بازارها تأکید کرد. در عین حال برخی دولت‌های محلی نیز به تهیه برنامه‌های خاص خود در قالب مناطق و با توجه به ویژگی‌های منطقه‌ای اقدام می‌کنند. در کره جنوبی برنامه‌ها به صورت میان مدت و پنج ساله تهیه می‌شدند. در طرح جامع سرزمینی از سال ۱۹۷۲ تا ۲۰۲۰ سه طرح ۱۰ ساله و یک طرح ۲۰ ساله تهیه شده است (پرونده بین-المللی، ۱۳۸۹). در کره جنوبی برنامه‌ها بیشتر جنبه کلان و بخشی داشته و با اهدافی مشخص، اولویت دار و استراتژی‌هایی معلوم و هدفمند متناسب با شرایط زمان برای هر برنامه در نظر گرفته شده‌اند. هدف‌های اصلی نخستین برنامه اقتصادی، ایجاد زیر ساخت‌های اقتصادی، مدرنیزه کردن کشاورزی و توسعه منابع انرژی بود. این برنامه، مایه رشدی بالاتر از آنچه پیش‌بینی شده بود، گردید. برنامه دوم عمرانی (۱۹۶۷-۷۱) نیز چند هدف عمده داشت

۱- تقویت ساختارهای صنعتی با راه اندازی صنایع سنگین و ماشینسازی؛

۲- توسعه صادرات، درکنار پی‌گرفتن سیاست‌های حمایتی از صنایع داخلی؛ ۳

۳- افزایش درآمد خانوارهای روستایی؛

۴- افزایش توان تکنولوژیک کره.

برنامه دوم عمرانی نیز با موفقیت همراه بود. موفقیت کره جنوبی در اجرای برنامه‌های اقتصادی اول و دوم، سبب شد که این کشور از مرحله خیز بگذرد و به مرحله بلوغ گام نهد و زمینه حرکت به سوی مصرف‌انبوه را فراهم کند. هدف برنامه عمرانی سوم، رسیدن به رشد ۶/۸ درصدی با درپیش گرفتن برنامه‌های زیر بود:

۱- توسعه صنایع سنگین و شیمیایی.

۲- توسعه کشاورزی و بهبود وضع زندگی کشاورزان.

۳- توسعه صادرات.

۴- افزایش توان تکنولوژیک کشور به عنوان پیش‌زمینه توسعه. بر سرهم، سه برنامه عمرانی کره جنوبی، دگرگونی‌های بزرگی در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی پدید آورد و روابط سرمایه‌داری بر این کشور سایه افکن شد (پرونده بین‌المللی، ۱۳۸۹).

نظام حقوقی و مالیکت اراضی در برنامه توسعه کشور کره جنوبی

به موجب بند ۲ اصل ۲۱ قانون اساسی کره جنوبی، زمین و منابع طبیعی توسط دولت مورد حفاظت قرار می‌گیرد و دولت مکلف است برنامه لازم برای توسعه و بهره‌برداری متعادل از آنها را تدوین کند. در این راستا، دولت کوشش لازم را به عمل می‌آورد که «اصل تعلق زمین به زارع» را در مورد زمین کشاورزی تحقق بخشد، اجاره زمین زراعتی ممنوع است. علاوه

بر این، اجاره زمین زراعتی و واگذاری اداره زمین زراعی برای افزایش بهره‌وری زراعی و تضمین استفاده معقول از آن یا به علت موارد اجتناب ناپذیر به موجب شرایط مقرر در قانون مجاز می‌باشد (گروه پژوهش‌های حقوق عمومی، ۱۳۹۰).

درس‌های از سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی امنیت غذایی در کشورهای منتخب

به رغم اتخاذ راهبرد صنعتی شدن شتابان در شش دهه گذشته و حاکمیت دیدگاه فن محوری که بازتابی از حرکت آن‌ها در پذیرش رسالت و مأموریتها و حفظ فرهنگ تولید گری در توسعه ملی و روستایی بوده است بدین معنی که روستاییان با درک واقعیت‌های جهانی و کشور و تامین امنیت غذایی به عنوان یک دغدغه اصلی آن پاسخ مثبت داده‌اند. متون امنیت غذایی نشان می‌دهد که اغلب کشورها در سیاست حرکت از برنامه تا عمل خود، به ایجاد گروه ملی امنیت غذایی و پی گیری مسایل آن، افزایش آگاهی‌های عمومی از طریق رسانه‌های جمعی، برپای همایش‌ها، گسترش اطلاعات، انتشار و پخش آن، بازنگری در سیاست‌ها و برنامه‌های ملی امنیت غذایی و شکل بندی و تقویت و گسترش برنامه‌های عملی ملی برای امنیت غذایی تاکید دارد. جدول پایین سیاست‌های امنیت غذایی را در ۱۲ کشور آسیایی نشان می‌دهد که کشورهای ژاپن و کره جنوبی نیز جز این کشورها هستند (افتخاری، ۱۳۸۷).

جدول (۲): سیاست و برنامه‌های خودکفایی غذایی در کشورهای آسیایی

ردیف	کشور	سیاست و برنامه
۱	فوجی	ایجاد سازمان توسعه کالایی
۲	هندوستان	- برنامه نظام توزیع عمومی هدفمند - برنامه توسعه یکپارچه روستایی
۳	اندونزی	کشاورزی محور در نخستین دوره برنامه دراز مدت (۱۹۶۹-۱۹۹۳) با رویکرد تولیدگرا کشاورزی محور در برنامه پنج ساله (۱۹۹۸-۱۹۹۲) با رویکرد کشاورزی تجاری منبع گرا
۴	کره جنوبی	برنامه خود کفایی محصولات غذایی در چارچوب راهبرد صنعتی شدن
۵	مالتی	- برنامه غذایی در چارچوب نخستین سیاست ملی کشاورزی از سال ۱۹۸۲ - برنامه غذایی در دومین برنامه و سیاست ملی کشاورزی از سال ۱۹۹۲
۶	نیپال	برنامه چشم‌انداز تولید و توزیع
۷	پاکستان	برنامه امنیت غذایی جامع با همفکری متقابل بخش عمومی و خصوصی با تأکید بر نواحی مستعد
۸	فیلیپین	برنامه ملی افزایش پایدار تولید ملی با راهبرد اساسی ثبات قیمت‌ها، قیمت‌های حمایتی، ذخیره‌سازی و توزیع مواد غذایی
۹	سری لانکا	برنامه خدمات پشتیبانی و سیاست‌های پولی- مالی، تجاری برای امنیت غذایی با جهت‌گیری کشاورزی بزرگ مقیاس تجاری
۱۰	تایلند	اولویت بخش کشاورزی در برنامه و استراتژی ملی
۱۱	ویتنام	برنامه توسعه پایدار امنیت غذایی در چارچوب سیاست‌های مالی و کشاورزی
۱۲	ژاپن	برنامه ویژه خودکفایی در محصولات غذایی به‌ویژه برنج در کنار راهبرد توسعه صادرات - برنامه امنیت غذایی نه به عنوان یک ضرورت بلکه در کنار سایر برنامه‌های به عنوان یک هدف فرعی مورد توجه قرار گرفته است: در برنامه اول ۱۳۲۷-۲۴؛ افزایش تولید به‌ویژه تولیدات مواد غذایی، بیمه کشاورزی برنامه دوم ۱۳۳۴-۲۱؛ افزایش تولید، احداث کارخانجات روغن کشتی برنامه سوم ۱۳۳۷-۲۶؛ افزایش تولید برنامه چهارم ۱۳۴۷-۵۱؛ کاهش وابستگی به مواد غذایی، تضمین نرخ محصولات استراتژیک برنامه پنجم ۱۳۵۲-۵۶؛ تضمین حداقل قیمت، بیمه کشاورزی - توجه به خود کفایی ملی در تولیدات غذایی با در نظر گرفتن تحولات جهانی - تقویت و افزایش کارایی واحدهای کشاورزی برنامه اول اجرا نشده (۱۳۶۲-۶۶): - اولویت بخش کشاورزی؛ - استفاده حداکثر از ظرفیتهای تولیدی و انسانی - سازماندهی نظام تولید و اجرا - افزایش سرمایه‌گذاری کشاورزی - تعیین چهارچوبهای حقوقی و نهادی ناظر بر مدیریت و مالکیت واحدهای کشاورزی - گسترش تولیدات استراتژیک برنامه اول (۱۳۶۸-۷۳): - ایجاد تحول در ساختار اقتصادی کشور - راه‌اندازی چرخهای تولید - تعمیم بیمه‌های اجتماعی با اولویت روستاییان برنامه دوم (۱۳۷۴-۷۸): - افزایش تولیدات کشاورزی برای تأمین نیازهای غذایی جامعه، مواد خام مورد نیاز صنایع، توسعه صادرات برنامه سوم (۱۳۷۹-۸۳): - فراهم ساختن امنیت غذایی، خود کفایی در کالاهای اساسی بوسیله افزایش تولید داخلی به‌ویژه کشاورزی - مبارزه با تورم، حفظ قدرت خرید گروههای متوسط و کم‌درآمد - حفظ نیازهای تغذیه‌ای، اعطای یارانه - بیمه کشاورزی- تضمین خرید محصولات، فرهنگ تغذیه

منبع، عبدالرضا رمن الدین افتخاری، حجت او شرقی، ۱۳۸۱. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی دوره‌های مختلف

اصلاحات ارضی در کره جنوبی

در کره جنوبی در سال ۱۹۴۵ برنامه اصلاحات ارضی با برنامه مرسوم به زمین متعلق به کشت کننده آن است به اجرا درآمد که به موجب آن همه مستاجران مالک زمین مزروعی خود می‌شدند. در واقع، انگیزه اساسی این اصلاحات نیاز مبرم به خنثی کردن نفوذ کمونیسم و

کاهش منازعات طبقاتی بود. این اصلاحات با کاهش تفاوت‌های طبقاتی منازعات را کاهش داد و ثبات سیاسی را در مناطق سیاسی را در مناطق روستایی ایجاد کرد. این اصلاحان نیروی کار روستایی را برای به کارگیری در بخش شهری و حوزه صنعت آزاد کرد (کی، ۱۳۸۹). در واقع، دولت کره جنوبی از یک طرف به حذف مزاحم زمینداران بزرگ پرداخت و از طرف دیگر با توزیع زمین به کسب مشروعیت در میان دهقانان اقدام کرد و از طریق اقدام‌های بسیج گونه‌ای چون جنبش نوین روستاها به سازماندهی و بسیج بخش کشاورزی پرداخت و با استخراج بخش قابل توجهی از مازاد این بخش زمینه را برای جهش صنعتی فراهم کرد (چونگ و پونگ، ۱۳۸۲). اما مهمترین طبقه‌ای که استقلال دولت از آن برای موفقیت فرایند توسعه ضروری است طبقه سرمایه دار است. در حالی که طبقه کارگر صنعتی و کشاورزی فقط از طریق نیروی کار برخوردار است و طبقه زمین دارد نیروی نسبتاً ایستا و غیر پیشتر تلقی می‌شود. بدیهی است که در بیشتر کشورهای در حال توسعه با اقتصاد معیشتی کشاورزی در مناطق روستایی، عموماً روستاییان نسبت به شهرنشینان درآمد کمتری دارند و از خدمات اجتماعی ناچیزی برخوردارند و از اینرو، فقیرتر و آسیب‌پذیرترند؛ و همین مسئله نیز منجر به مهاجرت آنها به سوی شهرها می‌شود. از عوامل مؤثر در ایجاد این مشکل، میتوان به مواردی همچون پراکندگی جغرافیایی روستاها، عدم توجه اقتصادی برای ارائه خدمات زیربنایی، حرفه‌ای و تخصصی نبودن کار کشاورزی (بهره‌وری پایین)، محدودیت منابع زمین (در مقایسه با رشد جمعیت)، و عدم مدیریت درست زیرساخت‌ها اشاره کرد. منظور از زیرساخت‌های روستایی همان سرمایه‌های عمومی، تولیدی و اجتماعی روستاهاست که در بیشتر زیرساخت‌های اجتماعی، کالبدی و نهادی، به بهبود شرایط و کیفیت زندگی و معیشت مردم محلی و نیز ارتقای کارآیی زندگی اجتماعی و اقتصادی آنها می‌انجامد. البته منظور از ایجاد، توسعه و نگهداری زیرساخت‌های روستایی، صرفاً تزریق نهاده‌های سرمایه‌ای به یک جامعه دارای تولید سنتی نیست، بلکه هدف ایجاد سازوکارها، نهادها و رویکرد مدیریتی جدیدی است که در عمل، مشارکت گسترده مردم بومی یا همان روستاییان را می‌طلبد (Daultrey, 1976). تجربه کشورهای نظیر هند، کره جنوبی، چین و مالزی حاکی از تلاش‌های دولت مرکزی برای ارتقای کارآیی زندگی اجتماعی و اقتصادی روستاها با اهداف توسعه یکپارچه منطقه‌ای است.

نتیجه گیری

برنامه ریزی، فرایندی پیچیده است که افزون بر موضوعات دیگر، به خلاقیت تحلیلی، توانایی‌های هماهنگی و مدیریتی و نیز به بینش لازم برای تصمیم‌گیری سیاسی نیاز دارد هر چند که فرایند تصمیم‌گیری، عموماً از فرایند برنامه ریزی جداست افزون بر این، برنامه-ریزی روستایی به مرور زمان، جامع تر شده و در نتیجه، قید و بندهای بخشی که در آغاز وجود داشت سست تر شده اند. از آنجا که موقعیت برنامه ریزی روستایی، ارتباط تنگاتنگی با فرایند دگرگونی اجتماعی و اقتصادی مناطق روستایی دارد، آمیختن راهبرد برنامه-ریزی مراکز روستایی در یک راهبرد جامع توسعه روستایی که برای آن منطقه انتخاب شده، دارای اهمیتی حیاتی است. و برنامه‌ریزی برای هر کشور توسعه یافته و یا در حال توسعه یک امر ضروری محسوب می‌شود. و هر کشور متناسب با ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود یک برنامه خاصی برای روستاهای خود تنظیم می‌کند. و برنامه هر کشوری فقط می‌تواند الگوی مناسبی برای خود آن کشور باشد. کشورهای ژاپن و کره جنوبی نیز به نوبه خود روستاها را در برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی خود جای داده‌اند. شرکت‌های تعاونی کشاورزی در ژاپن هر چند سابقه‌ای بیش از صد سال دارند، اما نهضت تعاونی در بخش کشاورزی ژاپن به‌طور عمده پس از اجرای برنامه اصلاحات ارضی که پس از جنگ جهانی دوم انجام گرفت، رشد چشمگیری یافت. در این کشور دولت به‌طور مستقیم در کار تعاونی‌ها دخالت نمی‌کند، بلکه تعاونی‌های کشاورزی را از طریق نرخ‌های تضمینی و سرمایه‌گذاری در به‌سازی اراضی حمایت می‌کند. بانک مرکزی تعاون که مختص کشاورزی و جنگلداری است، یکی از بزرگترین بانک‌هایی است که در کنار تعاونی‌ها قرار دارد. این تعاونی‌ها نقش بسیار بزرگی در تقویت اقتصاد و رفاه کشور ژاپن مؤثر بوده‌اند. همچنین یکی از برنامه‌های دیگری که در کشور ژاپن مورد بررسی قرار گرفت، ابتکار "WID" خود را در سال ۱۹۹۵ در کنفرانس چهارم جهانی زنان در پکن اعلام کرد به منظور توقف نابرابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در جامعه، برای دستیابی به این اهداف، ژاپن به‌طور فعال در پروژه‌های که در آن زنان به عنوان ذینفعان اولیه هستند کمک‌های بلاعوض می‌نماید " (GGP) کمک‌های بلاعوض برای پروژه‌های تامین امنیت انسانی " به اقشار حاشیه‌ای از جمله

زنان روستایی کمک می نمایند تا با دسترسی به سرمایه که از عوامل مهم تولید است باعث بهبود خدمات و امنیت انسانی جامعه روستایی مخصوصاً توانمند سازی زنان شود که از اهداف جامعه بین الملل (در راستای اهداف هزاره سوم) می باشد تا زنان بر مشکلات و موانع تولید فائق آیند و از سوی دیگر به منظور دستیابی به عدالت، برابری، رفاه، مشارکت و افزایش کیفیت زندگی خود و جامعه ای که در آن زندگی می کنند در شرایط حال و آینده مشارکت نمایند. در نهایت چشم انداز توسعه روستایی کشور ژاپن به این صورت می باشد:

در چشم انداز توسعه روستایی و کشاورزی ژاپن به افزایش بهره‌وری کشاورزی، تقویت ارتباط تولید با بازار، توسعه زیرساخت-های اساسی از سوی دولت به شرح زیر تأکید شده است:

❖ افزایش بهره‌وری کشاورزی (پشتیبانی از سیاستگذاران، توسعه ظرفیت‌ها، اعتبارات خرد، فناوری، زیرساخت‌های آبیاری و جاده-های روستایی، سازمان‌های کشاورزان)

❖ ارتباط تولید با بازار (پشتیبانی از تسهیلات بازار، سیستم‌های توزیع، فناوری اطلاعات، جاده‌ها)

❖ توسعه بازارهای کشاورزی (نظیر پشتیبانی از بازاریابی، فناوری تولید و دانش چگونگی تولید، شبکه سازی)

❖ ارتقای توسعه پایدار (مانند بازاریابی، حمایت‌های محیطی، جنگل کاری) (Ministry of foreign affairs Japan, 2005).

در کشور کره جنوبی نیز، برنامه لازم برای توسعه و بهره‌برداری متعادل از آنها را تدوین کند. در این راستا، دولت کوشش لازم را به عمل می‌آورد که «اصل تعلق زمین به زارع» را در مورد زمین کشاورزی تحقق بخشد، اجاره زمین زراعتی ممنوع است. علاوه بر این، اجاره زمین زراعتی و واگذاری اداره زمین زراعی برای افزایش بهره‌وری زراعی و تضمین استفاده معقول از آن یا به علت موارد اجتنابناپذیر به موجب شرایط مقرر در قانون مجاز می‌باشد.

همچنین به رغم اتخاذ راهبرد صنعتی شدن شتابان در شش دهه گذشته و حاکمیت دیدگاه فن محوری که بازتابی از حرکت آن‌ها در پذیرش رسالت و مأموریتها و حفظ فرهنگ تولید گری در توسعه ملی و روستایی بوده است بدین معنی که روستاییان با درک واقعیت‌های جهانی و کشور و تامین امنیت غذایی به عنوان یک دغدغه اصلی آن پاسخ مثبت داده‌اند. کره جنوبی نیز از این قاعده مستثنی نخواهد بود، یکی از راهبردهای کشور کره جنوبی در راهبرد امنیت غذایی، برنامه خود کفایی محصولات غذایی روستاها در چارچوب صنعتی شدن بود. در نهایت می‌بینیم که کره جنوبی با اجرای درست و دقیق هفت برنامه توسعه اقتصادی به یکی از اقتصادهای برتر دنیا مبدل شد. اکنون کره جنوبی عضو گروه جی ۲۰ است و طی دو سال گذشته به کلوب کشورهای یک تریلیون دلاری پیوسته. اگر چه این کشور از نظر سیاسی در سطح جهانی دارای جایگاه رفیعی نیست، اما در چند سال اخیر سعی نموده جایگاه سیاسی جدیدی را در دنیا و در گستره بین-المللی برای خود تعریف نماید و تا حدودی در این مسیر نیز موفق عمل کرده. این کشور در تلاش است که پست‌های مهم بین‌المللی را کسب کند و اخذ دبیر کلی سازمان ملل متحد یکی از توفیقات کره است. همواره این سوال پیش می‌آید که آیا سایر کشورها نیز می‌توانند کره را به عنوان الگوی مناسب توسعه قرار دهند و از شیوه‌های آن برای توسعه تقلید کنند و آیا این روش قابل تعمیم به دیگر مناطق با مشخصات و فرهنگ‌های متفاوت می‌باشد؟ برخی بر این باورند که روند توسعه کره مختص این سرزمین است. کشوری فقیر از نظر منابع معدنی، با مردمی سخت کوش، منعطف و نظم پذیر و دارای فرهنگ تساهل و تعامل. واقعیت این است که اگر کشوری بخواهد از روش اجرایی کره بدون در نظر گرفتن وجوه فرهنگی این کشور الگو برداری کند، به نتیجه مثبتی نخواهد رسید، چون معجزه‌ای در این روش وجود ندارد و تمام اصول برنامه توسعه کره قبال هم وجود داشته. آن چه که باعث موفقیت کره ای‌ها شد، دور اندیشی، پیگیری، سخت کوشی، تخصص گرایی، تعامل گسترده با جهان، تساهل نسبت به عقاید متفاوت و متضاد، انعطاف پذیر در مقابل شرایط مختلف می‌باشد.

منابع

- پرونده بین‌المللی، سیر تحول برنامه‌ریزی در جهان. ۱۳۸۹. عصر مدیریت. سال چهاردهم و پانزدهم
- چونگ، این مون و یونگ چول کیم. ۱۳۸۲. جمع اعداد. توسعه، سیاست و دموکراسی در کره جنوبی. در آدریان لفت ویچ، دموکراسی و توسعه، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران. طرح نو.

- رکن الدین افتخاری، عبدالرضا رکن الدین. شرفی، حجت ا. ۱۳۸۱. ارزیابی طرح‌های خودکفایی کمیته امداد امام خمینی در افزایش امنیت غذایی، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۶۹.
- رکن الدین افتخاری، عبدالرضا. ۱۳۸۹. نقش روستا در امنیت غذایی، همایش کشاورزی و توسعه ملی.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دوره‌های مختلف
- علیزاده، نادر. ۱۳۹۲. مروری بر تجربیات ژاپن در تعاونی‌های کشاورزی.
- کی کریستویال، ۱۳۸۹. موفقیت شرق آسیا و شکست آمریکای لاتین. اصلاحات ارضی. سیاست صنعتی و ظرفیت دولتی. در ریچارد پوید و دیگران منازعه سیاسی و توسعه در شرق آسیا و آمریکای لاتین. ترجمه علی بی نیاز. تهران. مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- گروه پژوهش‌های حقوق عمومی، ۱۳۹۰. نظام حقوقی مالکیت زمین در سایر کشورها و ارتباط آن با پدیده زمین خواری. فصلنامه اطلاع رسانی حقوقی.
- میونگ هو پارک، ۲۰۱۳، اصلاحات ارضی در کره، از انتشارات دانشگاه هانکوک مطالعات خارجی، و وزارت استراتژی و دارائی کره جنوبی.
- Daultrey, Stu, 1976, Principal component analysis. Available on: <http://www.qmrg.org.uk/files/2008/11/8-1principle-componentsanalysis.pdf>.
- Moen, Darrell Gene, 1999. "The Postwar Japanese Agricultural Debacle." (Published in) *Hitotsubashi Journal of Social Studies*: Vol. 31. No. 1.
- Yamashita, Kazuhito, 2008, *The Perilous Decline of Japanese Agriculture*, The Tokyo Foundation Developing Policy. Investing in People. Transforming Society.